

گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش شاه لیر «روایتی آهنگین»

زمزمه‌ای آهنگین از جنون و آگاهی

پر داخته‌اند. این روایت آهنگین از شاه لیر با تهیه‌کنندگی علی اوجی به نمایش در آمده است. در ادامه کپ و گفت خبر نگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

البکا عبدالرزاقی با تراژیک‌ترین اثر شکسپیر یعنی «شاه لیر» به صحنه تالار اصلی تئاتر شهر آمده، اثری که بازیگران نام‌آشنایی چون احمد ساعتچیان، بورژین عبدالرزاقی، پاشا رستمی، الهام اخوان، رضا یزدانی و ... در آن به ایفای نقش

مریم عظیمی

گفت‌وگو



البکا عبدالرزاقی، کارگردان و بازیگر

مسیر جنون لیر همزمان، مسیر بیداری اوست

در مورد سبک بازی بازیگران، آیا مخاطب در «شاه‌لیر، روایتی آهنگین» با نوعی فانتزی مواجه می‌شود؟

در تمام نمایش‌های موزیکالی که من دیده‌ام بازی‌ها از حالت صرفاً رئالیستی خارج می‌شوند و به سمت فانتزی می‌روند. در نمایش مانیز همین اتفاق افتاده است وقتی با صد نفر بازیگر، گروه‌های فرم، صحنه‌های آهنگین و فضایی پر تحرک طرف هستیم، اگر بازیگری بخواهد خیلی نرم، طبیعی و کاملاً رئال بازی کند، در آن فضا گم می‌شود. به‌ویژه در سالن‌هایی مانند تالار اصلی تئاتر شهر معتقدم که هر چقدر بازی‌ها در این جنس از آثار درشت‌تر ایفا شوند تماشاگر می‌تواند راحت‌تر کلوز آپ بگیرد و لذت بیشتری می‌برد در نتیجه با شخصیت‌ها و اثر بیشتر همراه می‌شود و در نظرات مخاطبان هم می‌بینم که بیشتر بازی‌هایی که به سمت فانتزی رفته است را پسندیده‌اند.

معمولاً در بیگ پروداکشن‌ها در کنار خلاقیت فردی کارگردان بیشتر بعد هماهنگ‌کنندگی بین تمام اجزای یک اجرا اهمیت پیدا می‌کند این مسیر برای شما چگونه و با چه چالش‌هایی همراه بود؟

این پروژه فوق‌العاده سخت و سنگین بود. گاهی شما از ابتدا می‌دانید که با چه چیزی روبه‌رو هستید و از روز اول برای یک اجرای عظیم برنامه‌ریزی می‌کنید اما ما این‌طور شروع نکردیم. در واقع ما روی یک نمایشنامه کار می‌کردیم و هر چه پیش می‌رفتیم ابعاد پروژه بزرگ‌تر می‌شد. در همین راستا حس کردیم که نیاز به کمک داریم و خدا رو شکر می‌کنم که علی اوجی قبول زحمت کرد و تهیه‌کنندگی کار را به عهده گرفت چرا که به‌غیر از این به‌سرانجام رساندن این پروژه ممکن نبود و حضور علی اوجی سبب شد که بتوانیم در مسیری که می‌خواهیم پیش برویم. از طرفی نزدیک به هشت ماه گروه حرکتمان که تماماً از هنر جوهای خودمان بودند، هر روز، چند ساعت، با امیر آقاجان (طراح حرکت) تمرین می‌کردند و فقط در همین یک مورد، حتی اگر پروداکشن، دکور و لباس و ... را در نظر بگیریم هشت ماه تمرین بی‌وقفه، خودش یک هزینه‌ی هنگفت روی دست گروه اجرایی می‌گذازد و بخصوص در شرایطی که هنرمندان بسیاری حتی حاضر نیستند که ماه‌ها بدون حقوق تمرین کنند چرا که دستمزد مادر تئاتر معمولاً مربوط به اجرای نهایی است، نه تمرین‌ها. اما اعضای این گروه، از ابتدا تا انتها، با جان و دل کار کردند تا ما بتوانستیم این اثر را به اجرا برسانیم. بنابراین هر چند که ابعاد مختلف کار برایم چالش‌برانگیز بود اما وجود این همراهی و همدلی هم‌منظر مشاوره‌های فوق‌العاده شروش کریمی نژاد که علاوه بر ایفای نقش دلقق به عنوان مشاور طراحی حرکت در کنار امیر آقاجان و ما بود، ایده‌های بی‌نظیر احمد ساعتچیان و برادرم بورژین عبدالرزاقی که تجربه کارگردانی بیشتری نسبت به من دارد ادامه مسیر را ممکن ساخت و گرنه این اثر نمی‌توانست محصول یک نفر باشد و این فقط یک پروژه‌ی شخصی نبود.

سخن پایانی

ما همیشه دغدغه آموزش تئاتر به کودکان و نوجوانان را داشتیم و در کشور‌های دیگر می‌بینیم که مثلاً نمایشنامه هم‌لت برای کودکان یا نوجوانان دارند و این نمایشنامه‌ها را از همان کودکی می‌شناسند اما در ایران، وقتی نمایش شاه‌لیر را اجرا می‌کنیم، بسیاری از مخاطبان ما حتی اسم شکسپیر را هم برای اولین بار می‌شنوند. با این حال، شگفت‌انگیز است که در طول این اجراها، تماشاگر ۱۰ ساله‌ای داشتیم که تا پایان کار بدون وقفه و با علاقه نشسته و دنبال کرده، یا تماشاگران نوجوانی که کاملاً درگیر نمایش شدند بنابراین فکر می‌کنم حداقل کاری که به عنوان کارگردان این اثر انجام داده‌ام این است که یک طیف مخاطب گسترده‌ای با نمایش شاه‌لیر و اسم شکسپیر آشنا شدند.

پر داخت این کاراکتر برایمان بگویند.

راستش را بخواهید، در ابتدا تمایلی نداشتم در این پروژه عظیم که تمام فکر، وقت و انرژی‌ام را می‌گرفت، بازی کنم. اما از طرفی علاقه زیادی داشتم که یکی از شخصیت‌ها که فضای متفاوتی با دیگر کاراکترهایی که تاکنون بازی کرده‌ام دارد را بازی کنم. در شخصیت پردازی دختران لیر این نکته که لیر، گوردلیا را محبوب‌ترین دختر خود می‌داند اهمیت زیادی داشت. با نگاه امروزی به این موضوع، به نظر می‌رسد که ما با پدری روبه‌رو هستیم که به‌وضوح میان فرزندانش تفاوت قائل شده است. طبیعی است که دختری که محبوب پدر بوده، یعنی گوردلیا، اعتماد به نفس ابراز نظر دار اما آن دو دختر دیگر، که هرگز محبوب پدر نبوده‌اند، دچار کمبود عاطفی و اعتماد به نفس شده‌اند و برای جلب محبت یا قدرت، به چارپلوسی روی آورده‌اند. در پرداخت شخصیت «گوردیل»، که من خودم آن را ایفا می‌کنم، سعی نکردم او را فردی جسور یا خشن تصویر کنم، بلکه او پس از رسیدن به قدرت، حتی نمی‌داند با این قدرت چه کند. حتی دیالوگ‌هایی که در نمایشنامه به او نسبت داده‌می‌شود به نوعی برای برنامه‌ریزی علیه پدر است، در نسخه نمایشی ما به مشاورش، «ازوالد»، سپرده شده است. این مشاور کسی است که با تحریکات زیر پوستی، مسیر گوردیل حتی رنگارنگ‌تر از ربه سمت تصمیمات خشن و بی‌رحمانه سوق می‌دهد.

در واقع شما یک نگاه روان‌شناختی به این کاراکترها و نمایشنامه دارید؟
بله در تحلیل من، هر دو خواهر را سبب‌های روانی (تروما) عمیقی مواجه‌اند. یکی از آن‌ها به فردی خشن تبدیل می‌شود که کاخ را به شکنجه‌گاه مردم بدل می‌کند و دیگری، شخصی دائم‌الخمر که حتی توان بیان یک جمله ساده به پدرش را ندارد و در صحنه‌ای که از پدرش تنگ می‌خورد از شدت ترس، زبان‌ش بند می‌آید و این جزئیات، هر چند که در متن اصلی نیامده‌اند، اما باعث شده‌اند شخصیت‌ها برای تماشاگر امروزی ملموس‌تر و باورپذیرتر شوند. تحلیل روانی لیر نیز یکی از ستون‌های اصلی اجرای ماست. در متن اصلی، دیگران می‌گویند که او دیوانه شده، یا توصیف‌هایی از رفتارهای عجیبش داریم. مثلاً گفته می‌شود که لیر تاجی از گل‌ها درست کرده و در بیابان سرگردان است. ما این دیالوگ‌ها را حذف و به تصویر تبدیل کردیم یعنی مخاطب در اجرای ما، بجای آن دیالوگ‌ها لیر را می‌بیند که دچار توهم شده، تاج گل می‌سازد، با خودش حرف می‌زند.

مواجهه لیر با مردمان رنج‌کشیده سرزمینش و روندی که برای رسیدن به آگاهی طی می‌کند نیز از لحظات تأمل‌برانگیز اثر است.

بله در صحنه‌ای مهم از پرده سوم، او برای نخستین بار با مردم عادی روبه‌رو می‌شود و به نوعی می‌توان گفت آغاز جنون لیر لحظه‌ای است که مردمان زنده پوش سرزمینش را می‌بینند و حال لیر نیز می‌خواهد مانند مردم باشد و می‌گوید «ما تبدیل به چیزی شده‌ایم که نیستیم» و از جایگاه پادشاهی، به درک تازه‌ای از رنج انسان‌ها می‌رسد. او به تدریج لایه‌های تحمیلی هویتش را کنار می‌زند. نه فقط لباس و ظاهر، بلکه حتی قدرت، عنوان، جایگاه اجتماعی، و حتی عطر و رفتار تحمیلی هم کنار می‌روند. در واقع، او به ربانی انسانی بازمی‌گردد که چیزی به او تحمیل نشده و آن‌طور که هست در جهان حضور دارد. این، مسیر جنون لیر است؛ اما همزمان، مسیر بیداری و آگاهی او هم هست. مسیری که شاید دیر آغاز شود، اما در نهایت او را به فهم عمیق‌تری از زندگی و اشتباهاتش می‌رساند.

چرا از میان آثار متعدد شکسپیر، «شاه‌لیر» را انتخاب کردید و در ادامه چه تغییراتی روی آن اعمال شد؟

مادر آموزشگاه بازیگری مان که مدیریت آن را همسر من، آقای امین زندگانی، بر عهده دارد، روند آموزش را با آثار کلاسیک آغاز می‌کنیم و از همان ابتدا، شکسپیر یکی از متون پایه‌ای ماست؛ چرا که معتقدیم آموزش زبان و بیان آرکائیک به هنر جوانان، باعث می‌شود که بیان محاوره‌ای برای‌شان بسیار راحت‌تر و طبیعی‌تر شود. ما پیش‌تر نیز تجربه‌ی اجرای نمایش‌هایی چون «روای شب نیمه تابستان» به کارگردانی آقای زندگانی را داشتیم و سال بعدش من تصمیم گرفتم که نمایش «هملت» را با هنر جوانان روی صحنه ببرم که البته این هم ایده‌امین زندگانی بود. باز خورد آن اجرا باعث شد متوجه شویم تأثیر تبدیل کلام به تصویر و موسیقی بسیار زیاد است. به همین دلیل، پس از پایان اجرای «هملت» در آبان ۱۴۰۲، تصمیم گرفتم به سراغ «شاه‌لیر» بروم. شاه‌لیر تراژیک‌ترین اثر شکسپیر است و چالشی برای اجرا محسوب می‌شود. ایده من این بود که بخش‌های زیادی از متن را به ترانه تبدیل کنیم تا یک‌سویا مخاطب امروز ارتباط برقرار کند و از سوی دیگر، تأثیر عمیق‌تری بگذارد. علاوه بر این به نظر من مدت‌زمان اجرای اثر به همان شکل کلاسیک خارج از حوصله مخاطب امروز است. بنابراین سعی کردیم خط‌قصر را نگه داریم، تحلیل‌ها را امروزی‌تر کنیم و با نگاهی جدید به شخصیت‌ها و زبان نمایشنامه، اثری خلق کنیم که هم وفادار به اصل و هم معاصر باشد.

آیا می‌توان این اثر را نمایشی موزیکال دانست؟

ایده اصلی من یک کار موزیکال بود، اما آقای حسن علیشیری، مترجم اثر، پیشنهاد داد که ترانه‌ها متناسب با همان زبان آرکائیک نمایشنامه باشند به همین دلیل این اثر یک نمایش موزیکال محسوب نمی‌شود و نامگذاری آن تحت عنوان «شاه‌لیر روایتی آهنگین» به همین علت است. موزیکال یعنی ریتمیک کردن کلام در حالیکه در این نمایش تمام بخش‌ها به ترانه تبدیل شدند و می‌توان گفت که شاید این یک شیوه نوین اجرایی است.

با توجه به کادر پر تعداد بازیگران علاوه بر کارگردانی نقش «گوردیل» را نیز ایفا می‌کنید. از روند

